

ضرورت احیای بقیع و آثار اسلامی تخریب شده

محمدسعید نجاتی*

چکیده

نوشته حاضر، پژوهشی است پیرامون «کارنامه تکفیریان در تخریب آثار اسلامی»؛ به ویژه حرمین شریفین با رهیافت اهمیت تاریخی و دینی، «لزوم پیشگیری از تخریب‌های جدید» و «وجوب تعظیم شعائر و مودت ذی القربی با مطالبه بازسازی و احیای آثار اسلامی تخریب شده به دست تکفیریان»؛ به ویژه بقعه بقیع که از میراث‌های مشترک میان مذاهب مختلف اسلامی است و شخصیت‌های مورد احترام همه مسلمانان را در خود جای داده است، و در پایان راهکارهای عملی مقابله با پدیده تخریب در شرایط فعلی جامعه اسلامی را مرور می‌کنیم.

کلمات‌واژه‌ها: تخریب آثار اسلامی، بقیع الغرقه، تخریب بقیع، احیای آثار اسلامی، مبارزه با تکفیر

مقدمه

پیامبر خدا ﷺ سنگ بزرگی را که بر روی قبر عثمان بن مظعون، به نشان، نهاده بود، مروان بن حکم، تنها شخصیت طرد شده از سوی پیامبر ﷺ در دوران حکومتش بر مدینه، آن را برداشت و به نقلی بر سر قبر عثمان بن عفان - که داماد و پسرعمویش بود - نهاد (السمهودی، ۲۰۰۶م، ج ۳، ص ۸۴). او شاید تصور نمی‌کرد که این عمل در تاریخ اسلام ثبت و ماندگار شده و وی به عنوان نخستین کسی که در صدد تخریب نشانه‌های قبرهای مسلمانان برآمد، شناخته خواهد شد.

این روند در طول تاریخ اسلام کم و بیش دنبال شد، هارون عباسی و متوکل عباسی - دو خلیفه‌ای که در دشمنی با اهل بیت پیامبر شهره‌اند - چهره‌های دیگری هستند که تخریب قبر سید جوانان بهشت و سبط پیامبر خدا علیه السلام را در کارنامه خود دارند. (کرکی حائری، ۱۴۱۸ق.، ج ۲، ص ۴۷۴ و ۴۷۷، شمس الدین ذهبی، ۱۴۰۹ق.، ج ۱۷، ص ۱۹ و ۲۷، امین عاملی، ۱۴۰۳ق.، ج ۱، ص ۱۸). و این روند، پس از به قدرت رسیدن وهابیان نجد در سال‌های ۱۲۱۷-۱۲۰۵ با حمله به نجف و کربلا ادامه یافت و در سال ۱۲۱۷ آثاری از قبرستان معلاة؛ مانند قبر حضرت خدیجه و مقابر اجداد پیامبر و محل تولد آن حضرت تخریب گردید. در سال ۱۲۲۱ قمری نیز با غارت اموال و هدایا و جواهرات حجرة نبوی و تخریب بقعه‌های نورانی بقیع و اُحد دنبال شد (زینی دحلان، ۱۹۷۸، ص ۱۱).

تخریب‌ها، با سقوط شهر مدینه، در سال ۱۳۴۴ق. و سلطه‌یابی دوباره وهابیان بر حرم نبوی تکرار شد، (الهاجری، ق. ۱۴۱۱، ص ۱۴۱). این روند با شدت تمام در سرزمین طلوع اسلام ادامه یافت؛ به گونه‌ای که طبق آمار مؤسسه واشنگتن - که بر امور کشورهای عربی خلیج فارس نظارت دارد - ۹۵٪ ساختمان‌های تاریخی عربستان که با زندگی پیامبر علیه السلام مرتبط است، در دو دهه گذشته تخریب شد و دیگر آسمان صحرای جزیره را، نه ستارگان، بلکه چراغ هتل‌های لوکس و فروشگاه‌ها و مراکز بزرگ تجاری آن روشن می‌کند. بنا بر اطلاعات موجود، بیش از پانصد اثر تاریخی مربوط به صدر اسلام در حجاز تخریب گردیده است که مساجد و خانه‌های پیامبر و اصحاب و اهل بیت را شامل می‌شود، برخی از مهمترین این آثار عبارت‌اند از:

بیت الاحزان حضرت زهرا علیها السلام، حرم همسران پیامبر، حرم ام‌البنین، حرم دختران پیامبر علیه السلام، حرم حلیمه سعديه دایه آن حضرت، حرم ابراهیم پسر پیامبر علیه السلام که در شش ماهگی از دنیا رفت، خانه حمزه سیدالشهدا عموی پیامبر، مسجد ثنیه الوداع، خانه امام سجاد علیه السلام در کوچه بنی هاشم که امروزه در فضای بین الحرمین قرار گرفته، حرم حضرت عبدالله پدر پیامبر علیه السلام که درون مسجدالنبی کنونی واقع است، محله و کوچه بنی هاشم، مسجد و ضریح علی بن امام صادق علیه السلام، خانه حضرت علی و حضرت زهرا علیهما السلام در مدینه که محل حضور مکرر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و محل ولادت امام حسن و امام حسین علیهما السلام. همچنین محل نزول آیه تطهیر و حدیث کساء، خانه ابویوب انصاری اولین اقامتگاه پیامبر علیه السلام در مدینه، خانه امام صادق علیه السلام، حرم مطهر شهدای احد و حمزه سیدالشهدا علیهما السلام عمو و برادر رضاعی پیامبر علیه السلام که حضرت در باره ایشان فرمود: از این روز سخت‌تر در زندگی‌شان نخواهند داشت! و نیز حرم شهدای حرّه، مسجد ردالشمس و محل نظارت پیامبر علیه السلام بر کندن خندق در کوه ذباب...

بر موارد فوق بیفزایید موارد زیر را: ... حرم اجداد پیامبر علیهما السلام عبد مناف و هاشم و عبدالمطلب،

حرم مادر پیامبر در ابواء در نزدیکی مکه؛ خانه محل تولد حضرت رسول ﷺ در پشت کوه صفا، خانه حضرت خدیجه ﷺ که جایگاه نزول وحی و محل تولد حضرت زهرا ﷺ و محل ازدواج پیامبر و محل رحلت حضرت خدیجه و محل زندگی پیامبر ﷺ تا روز هجرت بود، قبرستان المعلى در مکه مکرمه که بارگاه و مقبره برخی از اهل بیت ﷺ و یاران پیامبر ﷺ در آن قرار دارد؛ از جمله حرم ابوطالب یار با وفای پیامبر ﷺ و مقبره حضرت خدیجه ﷺ (جعفریان، ۱۳۸۹، ص ۴۱۰؛ المغربی، ۱۴۰۸، ۱-۴؛ جلال معاش ۱۴۲۷، ص ۱۰۳).

متأسفانه تفکر وهابیت در سال‌های اخیر، در پوشش گروه‌های جهادی، با نام‌هایی چون القاعده، داعش، جبهة النصرة و... پس از تصرف سرزمین‌های اسلامی و قتل و غارت بی‌گناهان، همت خود را صرف تخریب قبور و آثار اسلامی در سرزمین مورد تصرف خود کرده‌اند و به روشنی خاطره قتل‌ها و غارت‌های سعودیان وهابی را در کربلا و طائف و شهرهای دیگر زنده کرده‌اند. در عراق حدود سی زیارتگاه و مقام و آثار تاریخی؛ از جمله حرم عسکرین ﷺ به وسیله گروه‌های وهابی تکفیری تخریب شده است، (خامه یار، ۱۳۹۳، صص ۵۴-۲۹) پس از آغاز جنگ‌های داخلی سوریه که از سال ۲۰۱۱ آغاز شده، زیارتگاه‌ها و بقعه‌ها و مقام‌های بسیاری در این کشور تخریب شده است که از مهمترین‌های آن؛ قبر مطهر جناب حجرین عدی، صحابه پیامبر خدا و از یاران امام علی ﷺ در مرج عذراء (همان، ص ۵۶)، مدفن عمار یاسر، اوئیس قرن و ابی بن قیس در رقه (همان، ص ۶۸)، حرم منسوب به جناب محسن بن حسین ﷺ در حلب (همان، ص ۶۲) و حرم منسوب به جناب سکینه دختر امام علی ﷺ در داریا (همان، ص ۶۰) همچنین طبق گزارش‌های موجود در تونس بیش از ۲۰ مورد و در لیبی بیش از ۵۰ زیارتگاه تخریب شده است. (همان، صص ۹۵-۸۶ و صص ۱۲۷-۱۰۰).

این سرگذشت تلخ باعث می‌شود تا با نگاهی جدید به دنبال همه راه‌های موجود برای مقابله با امواج بنیان‌کن تخریب بقاع متبرکه برآئیم؛ این مقابله، مبتنی بر درکی نظری از ضرورت آن است که در ادامه، این مقاله با چهار رویکرد قابل توجه و پیگیری است و در ادامه راهکارهایی متناسب با شرایط امروزی مسلمانان و جهان اسلام عرضه خواهد شد.

آثار تخریب شده به دست تکفیریان

به خلاف نظر کسانی که معتقدند سخن گفتن از «احیای آثار اسلامی و قبور بزرگان دین» با اعتقاد و باور به «وحدت امت اسلامی» سازگار نیست، به نظر می‌رسد شرح فجایع و تخریب‌هایی که برخی به بهانه هدم مظاهر شرک مرتکب می‌شوند؛ به خصوص در اماکنی چون قبرستان بقیع که بزرگانی از مذاهب مختلف اسلامی و پیشوایان

دین در آن مدفون‌اند، با واکنش ملت اسلام مواجه شود و مسلمانان به ستیز با افکار متحجرانه و هابیت برخیزند؛ به ویژه این که امروزه افکار عمومی، هرچند به زبان، سیاست‌ها و جنایات‌های داعش را که نمونه‌ای کوچک شده از سلف نجدی خود هستند، محکوم نموده، آن را نمی‌پذیرند. فتوای رسمی اخیر دانشگاه الأزهر که با دلایل متقن و محکم، مشروعیت و فضیلت زیارت بارگاه اهل بیت علیهم‌السلام را اثبات می‌کند و آن را از مصادیق مودّه ذی القربی می‌داند و ادعای بدعت یا شرک بودن زیارت قبور را دروغ بستن به خدا و رسول و ضربه به دین و جاهل شمردن همه پیشینیان امت اسلامی می‌داند (حکم زیاره اضرحة آل‌الیت، رقم مسلسل ۸۲۲۶، ۲۰۱۵/۱/۱۳، 8226=LangID=1&ID=8226) این ضرورت را می‌توان از چهار رهیافت مورد توجه قرار داد:

۱. حفظ مستندات عینی دین اسلام

بازسازی بقیع و سایر بقاع مقدس به شیوه‌های مختلف، تلاشی الزامی برای حفظ و برجا ماندن، مستندات موجود دین اسلام در حرمین شریفین و کشورهای اسلامی است. از اصلی‌ترین مستندات تاریخی، منابع خارجی و عینی تاریخ‌اند. امروزه ضرورت حفظ و مرمت آثار باستانی باقیمانده از اقوام مختلف برای حفظ نشانه‌های تمدنی این اقوام و از آن مهمتر برای بررسی‌های تاریخی و قرینه‌سنجی‌های تاریخی روشن است. در میان فرهنگ‌ها و ادیان الهی که پیشینه و امتداد تاریخی دارند، هیچ مکتب و آیینی به اندازه اسلام دارای شواهد عینی و خارجی نبود؛ شواهدی که تا یکصد سال اخیر، بسیاری از حوادث تاریخی صدر اسلام را - علی‌رغم گذشت زمان - مجسم می‌کرد؛ مانند محل تولد و محل بعثت و خانه و محل زندگی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، محل جنگ‌های آن حضرت و منزلگاه‌های حجة الوداع و دیگر سفرهای او از مدینه به مکه و بالعکس، میدانگاه‌های غزوات مختلف، مساجدی که آن حضرت در آنها نماز خوانده بود، محل دفن او و همسران و دخترانش و... ولی متأسفانه امروز بسیاری از این اماکن مشخص نیست و اگر از کسانی که وظیفه نگهبانی از آنان را دارند، درباره آنها سؤال کنی، خواهند گفت «نمی‌دانیم»، «الله اعلم!» این در حالی است که میراث فرهنگی ملت‌های مختلف، نسل به نسل و سینه به سینه همچنان باقی مانده است. مسلمانان نیز پیش از رسیدن دوره هابیت، در این زمینه کوتاهی نمی‌کردند و به همین دلیل است که کتاب‌های تاریخ حرمین و سفرنامه‌ها لبریز از توصیف‌های دقیقی از این یادگارهای فرهنگ و تمدن اسلامی است.

۲. پیشگیری از استمرار و گسترش تخریب‌ها

پیگیری مسأله بقیع و احیای آن، گامی عملی و جدی برای پیشگیری از تهدیدهایی است که برای از بین بردن آثار اسلامی در حرمین شریفین و استمرار و گسترش تخریب این آثار در سراسر جهان اسلام، با قدرت یابی تکفیریان در جریان است. اگر ما نسبت به تخریب‌های بزرگی چون قبرستان بقیع که احترامش را هر مسلمانی بی هیچ تردید واجب می‌داند، سکوت کردیم و دچار روزمرگی شدیم، در برابر تجاوزها و تعدی‌های دیگری که به مزار بزرگانی چون عمار یاسر، حضرت سکینه یا... می‌شود نیز راحت سکوت می‌کنیم و این تحقیر و اهانت بزرگ را می‌پذیریم در حالی که وظیفه همه مسلمانان است تا برای جلوگیری از ادامه این روند هتاکانه تلاش کنند و گوشه‌ای اندک از وظایف خود را در برابر بزرگان دین خود به جا آورند.

برخی از تهدیدهای پیش رو:

حرم حضرت زینب در سوریه

از حرم‌هایی که همچنان در سیطره تکفیریان و در معرض تهدید می‌باشند؛ حرم حضرت زینب علیها السلام در دمشق است که بارها مورد هجوم و عملیات بمب‌گذاری و پرتاب خمپاره قرار گرفته و پیوسته در معرض تهدید وهابیان است، (خامه یار، همان؛ ص ۸۴).

احساس خطر نسبت به گنبد مطهر نبوی

بدن مطهر پیامبر صلی الله علیه و آله به وصیت خود، در جایی که از دنیا رفته بود دفن شد که یکی از اتاق‌های خانه‌اش در مسجد النبی بود. به همین دلیل از آغاز بر فراز قبر مطهر آن حضرت سقفی قرار داشت، امری که وهابیون آن را بدعت و حرام می‌شمردند. شاید به همین دلیل بود که حتی در دوران محاصره مدینه در زمان حمله وهابیان، این گنبد مطهر در معرض شلیک گلوله‌های آنان قرار گرفت و طبق گزارش فرستاده ایران، در آن زمان جای گلوله‌ها بر آن، آشکار بود (قاضی عسکر ۱۳۸۵، ص ۹۰)، ولی همیشه این مسأله برای آنان که بنا و بقعه بر روی قبور را بدعت می‌دانند، عقده‌ای حل نشده است. اعتراض عمومی مسلمانان، که

نگران سرنوشتی چون سرنوشت بارگاه‌های بقیع برای قبة الخضراء بودند، موجب شد تا آنان نتوانند نیت پلید خود را در مورد حرم پیامبر ﷺ به اجرا در آورند و حتی ملک عبدالعزيز، امنیت گنبد مطهر آن حضرت را در نوشته‌ای رسمی برای آیت الله صاحب فصول تعهد داد (فصولی، ۱۳۹۴، ص ۱۰)، ولی بی‌اعتنایی و بی‌حرمتی شدیدی که امروزه به صورت علنی نسبت به حجره پیامبر ابراز می‌شود، نشانگر تمهیداتی برای این توطئه است؛ به گونه‌ای که از پشت پنجره‌های نیمه بسته ضریح مطهر، غبار سنگینی را که بر قبر مطهر پیامبر و در و دیوار حجره شریف آن حضرت نشسته، آشکارا می‌توان دید. هم‌اکنون مأمورانی که به نام هیأت امر به معروف و نهی از منکر در حرم نبوی گردش می‌کنند، با وجود روایت‌های فراوانی که در منابع شیعه و سنی دلالت بر حیات برزخی آن حضرت دارند، مانع از مخاطب قراردادن قبر مطهر می‌شوند و اگر کسی را ببینند که رو به قبر مطهر حضرت چیزی می‌گوید یا آن حضرت را مخاطب قرار می‌دهد و... او را مرتکب شرک دانسته و با تندی و خشونت، به اصطلاح، نهی از منکر می‌کنند، حال آن‌که تا پیش از دوره سعودی، هم‌زمان با عوض کردن پرده کعبه، حجره مطهر پیامبر نیز غبار روبی می‌شد و همان کارگاهی که پرده کعبه را با تشریفات خاص می‌بافت، وظیفه بافت پرده حجره را نیز برعهده داشت و این دو پرده همراه با تشریفات خاصی در محمل همایونی به حجاز می‌آمد. خبرهایی که جسته و گریخته از مجامع مختلف وهابی درز می‌کند، نشان از تلاش وهابیون افراطی برای توطئه‌ای جهت تخریب این گنبد رفیع دارد. به عنوان نمونه، می‌توان به پایان نامه‌ای اشاره کرد که در دانشگاه اسلامی مدینه به وسیله شخصی به نام «مقبل بن هادی الوادعی» دفاع شده با نام «بحث حول القبة المبنية علی قبر رسول الله» در پایان نامه نویسنده که یکی از مبلغان وهابیت افراطی است، صریحاً قبر زیر گنبد را بدعتی بزرگ دانسته و از بین بردن آن را پیشنهاد داده است (جلال معاش، ۱۴۲۷، ص ۱۲۶)، که می‌توان اینگونه نوشته‌ها را تلاش برای تئوریزه کردن تخریب حرم نبوی دانست.

تهدید هویت بومی مدینه با تغییر بافت جمعیتی آن

بنا به اظهارات شیعیان بومی مدینه، وهابیان تدابیری برای از بین بردن فرهنگ بومی مدینه که تحت تأثیر مکتب تشیع بود، اندیشیدند. جمعیت مدینه با تشویق به مهاجرت

افراد مناطق مختلف عربستان، به خصوص مناطق متعصب وهابی مانند قصیم و نجد تغییر یافت؛ به گونه‌ای که ترکیب جمعیتی که در سی سال قبل حدود یک سوم را شیعیان بومی تشکیل می‌دادند، چنان تغییر یافت که نسبت شیعیان با وجود رشد جمعیتشان که بیش از بیست هزار نفر است (مختاری، ۱۳۸۴، ۲۵، ص ۱۵۰) به کمتر از ده درصد کاهش یافت.

مردم بومی مدینه که بیشتر از نسل انصار و ساکنان اصلی مدینه‌اند؛ به خاطر سوابق تاریخی عمیقی که شیعیان در این شهر مقدس دارند و با توجه به سابقه طولانی دولت‌های شیعی در حجاز، به تشیع گرایش دارند. وهابیت برای مقابله با مظاهر فرهنگی تشیع تلاش‌های بی‌صدا و محرمانه‌ای را برای از بین بردن اجتماعات و کلونی‌های شیعه و مراکز اجتماعی آنان و تغییر و تبدیل محله‌های شیعه نشین که پیش‌تر در هسته مرکزی مدینه و در منطقه عوالی بودند، اندیشید و به مرور محله‌های شیعه نشین از نقطه مرکزی مدینه حذف گردید و شیعیان بومی یا به شهرهای دیگر منتقل شدند و یا در حواشی بسیار دورتر مدینه به صورت پراکنده سکونت اختیار کردند؛ و این امر در نهایت به کم‌رنگ شدن هویت شیعی منجر خواهد شد. این در حالی است که با هرگونه محفل رسمی یا حتی گروه‌های اجتماعی که نماینده هویت بومی و شیعی مدینه باشد به شدت مخالفت می‌شود.

نمونه کوچکی از تغییر و تحریف فرهنگی را می‌توان در خرمایی که امروزه به نام «عجوه» مدینه عرضه می‌شود دید. خرمای عجوه براساس روایت‌های متعدد پیامبر ﷺ دارای ویژگی‌ها و خواص منحصر به فردی است که آزمایش‌های امروزی نیز بر بسیاری از آن صحه گذارده است، ولی به شهادت بومیان و نخاولة مدینه، آنچه امروز به نام عجوه به دست حجاج مشتاق می‌رسد خرمای غیر عجوه است که تنها نخلداران سنتی مدینه یا همان شیعیان معروف به نخاولة آن را پرورش می‌دهند و امروزه در میان برخی، به نام خرمای «حلوی» شناخته می‌شود.

از بین رفتن و محو باغات و عوالی پیامبر ﷺ

تهدید دیگری که توجه به آن ضروری به نظر می‌رسد، از بین رفتن آثار و به ویژه باغ‌ها و زمین‌های زراعی متعلق به اهل بیت ﷺ است. این مزارع که از جمله آنها حوائط سبع حضرت رسول ﷺ؛ یعنی موقوفات آن حضرت برای حضرت زهرا ﷺ و اولاد ایشان

است، امروزه به صورت زمین‌ها و مزارع و باغ‌های سنتی، به عنوان میراثی دست‌اشراف مدینه؛ یعنی ساداتی که نسبتشان به پیامبر ﷺ می‌رسد، باقی مانده است، اما به دلیل ناکارآمدی و با تشویقی که به ساخت و ساز در این مناطق می‌شود، به مرور و با سرعت زیاد از شکل و حالت سابق محو شده و تبدیل به مجتمع‌های مسکونی و تجاری می‌شود. مالکان این زمین‌ها که از مشکلات اقتصادی رنج می‌برند وقتی با پیشنهاد افراد مورد حمایت دولت، با قیمت‌های کلانی که قابل قیاس با درآمد کشاورزی با کاربری فعلی این زمین‌ها نیست، مواجه می‌شوند، به مرور و ناگزیر به فروش ملک آباء و اجدادی خود، به کسانی رضایت می‌دهند که تاریخ و پیشینه این املاک نه تنها برای آنان تقدس ندارد بلکه با توجه به تقدس آن نزد شیعه، به دنبال از بین بردن و محو کردن آن هستند. (مصاحبه نویسنده با شیعیان بومی مدینه).

۳. واجب تطهیر شعائر

مطالبه بازسازی بقیع، کمترین و کوچکترین اقدام عملی به مقتضای امر الهی: ﴿مَنْ يُعْظَمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج: ۳۲) و نهی از هتک آنان ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ﴾ (مائده: ۲) است. این نکته حائز اهمیت است که برخلاف تخریب مجسمه‌های بودا و آثار تخریب شده دیگر توسط وهابیان، هنوز مطالبه‌ای رسمی و بین‌المللی برای جلوگیری از این روند تخریب که هنوز باقی است تشکیل نشده است.

نمادها و یادمان‌ها در جای‌جای اعمال حج به روشنی قابل رؤیت است؛ چنانکه شتر قربانی (الْبُدْن) و کوه‌های «صفا و مروه» به نص قرآن کریم از شعائر الهی شمرده شده‌اند (بقره: ۱۵۸) و به فرمان الهی، نماز طواف را باید در پشت (مقام ابراهیم) جای پای ابراهیم خلیل خوانند، حجر اسماعیل مدفن هاجر و تعدادی از پیامبران الهی است؛ «کان النبی من الأنبیاء - صلی الله علیه [وآله] و سلم إذا هلکت أمته لحق بمکه، فتعبد فیها النبی و من معه حتی یموت، فمات بها نوح، و هود، و صالح، و شعیب، و قبورهم بین زمزم و الحجر»؛ «هر پیامبری که امتش هلاک می‌شد به مکه می‌رفت و به همراه باقیمانده‌گان همراهش تا مرگ خدا را عبادت می‌کرد و به همین دلیل است که بین زمزم و حجر قبر نوح و هود و صالح و شعیب است.»

«ما بین الرکن إلى المقام إلى زمزم إلى الحجر قبر تسعة وتسعين نبیا ، جاءوا حجاجا فقبروا هنالك ، فتلك قبورهم غور الكعبة»؛ «میان رکن و مقام قبر ۹۹ پیامبر است که همه آنها به مکه آمده و مجاور شده و در آنجا پس از مرگ دفن شدند.» (ازرقی، ۱۴۱۶، ج، ۱، ص ۶۸ و خواری، ۱۴۱۸، ق ج، ۱، ص: ۱۱۷)

و به همین دلیل حجاج در طواف خود، دور آن نیز طواف می کنند. محل یکی دیگر از مناسک حج و عمره، سعی است که به یادبود و تقلید سرگشتگی جناب هاجر میان کوه‌های صفا و مروه انجام می شود. حج یکی از بزرگترین عبادت‌های الهی اصولاً سنتی ابراهیمی است و حاجی در قربانی و رمی جمرات و بسیاری از سنن دیگر، از حضرت ابراهیم تبعیت می کند.

چراکه ابراهیم خلیل و تابعان او نزدیک‌ترین راه به توحید و بندگی خالصانه حضرت حق هستند؛ تعبیر رسایی که درباره زیارتگاه‌های معصومان در منابع ما مطرح است این تعبیر است؛ «هَذِهِ الْعَرَصَاتُ الَّتِي اسْتَعْبَدَتْ بِزِيَارَتِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ» (مجلسی، ۱۴۰۳.ق.، ج ۹۹، ص ۱۱۶) عرصه‌هایی که خداوند عالمیان اهل آسمان‌ها و زمین را به وسیله آن به پرستش خود خواند؛ چنانکه وظیفه اصلی کعبه مشرفه نیز همین است و الا «کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود».

پروردگار جهانیان زیارت این بقعه‌های نورانی را عبادتی برای خود شمرده و توصیه‌اش بر ما این است که علاقه و ارتباط خود را با صاحبان این مکان‌های نورانی تقویت کنیم و حتی مشتاق اماکنی باشیم که عزیزانمان از آنها عبور کرده‌اند و با نگاه به خانه‌ها و مکان‌های زندگی و رفت و آمدشان، آنان را حاضر و ناظر بینیم؛ چنانکه گویی با آنان هم‌کلام شده‌ایم؛ «وَ اجْعَلْ أَرْوَاحَنَا حُنَّ إِلَى مَوْطِنِ أَقْدَامِهِمْ وَ نُفُوسَنَا تَهْوَى النَّظَرَ إِلَى مَجَالِسِهِمْ وَ عَرَصَاتِهِمْ حَتَّى كَأَنَّهَا نُحَاطُهُمْ فِي حُضُورِ أَشْخَاصِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳.ق.، ج، ۹۹، ص ۱۱۶).

امروزه در روزگاری که جمعیت‌هایی در گوشه گوشه دنیا، برای پاسداشت فداکاران خود، مقبره‌های خالی را به عنوان یادمان محل احترام برای مردم کشور خود و سران سرزمین‌های دیگر معرفی می کنند، و هایت پلید، مقابر و بقعه‌های مستند و تاریخی شخصیت‌های پرافتخار اسلام را اینچنین تخریب می کند و در تلاش برای از بین بردن آنها است.

بی جهت نیست که خداوند متعال، تعظیم شعائر الهی را که شامل احکام و مناسک حج و حتی قربانی است، نشانه تقوا می‌داند. یادمان امامان دین و اصحاب بزرگ پیامبر ﷺ و فرزندان و همسران پاک آن حضرت نیز قطعاً در زمره این نشانه‌هاست که به یقین برای هر مسلمان شیعه و سنی محترم و واجب التعظیم است.

۴. اقتضای هودت واجب

عامل دیگری که احیا و بازسازی بارگاه‌های بقیع و بارگاه‌هایی چون قبرستان معلّات در مکه مکرمه را ضروری می‌سازد، مودت و دوستی نزدیکان و خویشان پیامبر خدا ﷺ است که مورد اتفاق علمای فریقین می‌باشد (نسائی، ۱۴۲۱، ج ۱۰، ص ۲۴۹ و ابن ابی عاصم، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۶۳۴). در این میان، قبور مطهر بقیع، روشن‌ترین مصداق آن است؛ از جمله قبر منسوب به زهرای مرضیه رضی الله عنها و دیگر فرزندان حضرت رسول، به خصوص سید جوانان بهشت، امام حسن مجتبی رضی الله عنه و دیگر ائمه، مانند امام سجّاد، امام باقر و امام صادق رضی الله عنهم و همچنین عمه‌ها و عموی پیامبر و دیگر بستگان آن حضرت که درود و سلام خدا بر آنها باد! فتوای رسمی اخیر علمای الأزهر، با صراحت، زیارت قبور اهل بیت رضی الله عنهم را از مصادیق مودّ ذی القربی می‌داند و ضمن بازگو کردن سیره علما و بزرگان اهل سنت در زیارت قبور آنان؛ به خصوص قبر مطهر علی بن موسی الرضا رضی الله عنه در مشهد، شاهد روشنی است بر این ادعا (حکم زیارة اضرحة آل البیت، رقم مسلسل ۸۲۲۶، تاریخ ۱۳/۱/۲۰۱۵،

<http://dar-alifta.org/AR/ViewFatwa.aspx?LangID=1&ID=8226>

آیا از بین بردن و تخریب آثار این قبور مطهر و چونان قبر مردگان معمولی رها کردن، مقتضای مودتی است که قرآن کریم به آن فرمان داده و اجر رسالت دانسته است؛ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمُوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳)

آیا نباید دست کم مانند مردمان زمان اصحاب کهف؛ چنانکه قرآن کریم یاد کرده؛ «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ، أَمْرِهِمْ لِنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» (کهف: ۲۱) بر قبر پیشوایان خود ارج نهیم؟ یا لا اقل مانند ابو جندل بن عمرو صحابی و همراهان صحابی‌اش باشیم که برای جناب ابوبصیر، صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله بر سر مزارش مسجدی به یادمان ساخت؟؛

«فقره أصحابه هناك وصلوا عليه و بنوا على قبره مسجداً» (ابن سعد ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۰۰؛ واقدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۴۲۹؛ ذهبی، همان، ج ۲، ص ۴۰۱؛ صالحی شامی، ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۶۳). چرا باید مسلمانان جهان بی توجه به فهم و عمل نسل‌های پیشین خود باشند که قبور مطهر بزرگان دین را احترام می‌کردند؟! روایت پیامبر ﷺ است که فرموده‌اند: «اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ» (نسائی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۳۹۰). مانند اهل کتاب نباشید که قبور پیامبران پیشین را سجدگاه خود ساخته و به سوی آن سجده می‌کردند (سبحانی، ۱۳۶۴، ص ۶۲) و نیز چون بیابان نشینان نجد و حران کوتاه بین نباشید که آن را بر ساختن مسجد در کنار قبور انبیایشان تفسیر نموده و آیه قرآن و سنت و فهم مسلمانان دیگر را تخطئه کرده‌اند.

چرا باید دستور پیامبر خدا ﷺ درباره تخریب بارگاه‌های شرک آلود جزیره العرب به امام علی علیه السلام را که فرمود: «لَا تَدْعَنَّ قَبْرًا مُشْرِفًا إِلَّا سَوَّيْتَهُ، وَلَا صُورَةً فِي بَيْتٍ إِلَّا طَمَسْتَهَا» (نسائی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۴۶۴ و طبرانی، بی تا، ج ۴، ص ۲۶۸) به قبور و مزاراتی تطبیق دهیم که نشانه‌های توحید و یکتا پرستی هستند و ما را به معرفت الله و توحید واقعی می‌رسانند؛ «أَظْهَرَتْ فِيهَا أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ».

ضرورت و وجوب تعظیم شعائر و مودت و دوستی خویشان رسول الله ﷺ هر مسلمان خردمندی را؛ چه شیعه و چه سنی، به مطالبه برای بازسازی و احیای بقیع و دیگر آثار تخریب شده وادار می‌کند که این کوچکترین گام ممکن در این راه است.

راه کارهای مقابله با تخریب

با توجه به ماهیت و گونه گونی تخریب، راه کاری‌های مختلف عملی و نظری در این مورد، می‌توان ارائه کرد:

۱. ایجاد یک مطالبه بین المللی برای احیا و بازسازی بقیع و جلوگیری از تخریب، که با شرکت مسلمانان و حتی غیر مسلمانان علاقه مند به میراث فرهنگی، می‌تواند شکل بگیرد و حمایت سازمانهایی چون یونسکو را نیز در پی داشته باشد. با توسعه شبکه‌های مجازی این مطالبه می‌تواند با سهولت بسیاری نسبت به سابق ایجاد و گسترش یابد.
۲. بازسازی سه بعدی موقعیت بارگاه‌ها و اماکن مقدس پیش از تخریب با استفاده از عکس‌ها

و تصاویر برجای مانده و خاطرات شفاهی افرادی که هنوز سال‌های پیش از تخریب را به یاد دارند. از سال ۱۳۴۴ قمری که آخرین تخریب توسعه یافته حرمین آغاز شد، هر چند نزدیک به صد سال می‌گذرد اما هنوز در میان مجاوران و حاجیان کسانی یافت می‌شوند که از موقعیت مکان‌های تخریب شده در این یکصد سال اخیر اطلاع قابل توجهی را عرضه کنند؛ بنابراین، به نظر می‌رسد در نخستین فرصت به دنبال احیا و بازسازی تاریخ از دست رفته و ثبت آخرین شکل‌های این اماکن پیش از تخریب با توجه به اطلاعات شاهدان عینی ممکن است، این مسأله چیزی است که فرصت سوزی در آن جبران ناشدنی است، البته در وضعیت کنونی، بازسازی و احیای خود اماکن با توجه به سلطه وهابیت، میسر نیست اما هنرهایی چون ماکت سازی و تصویرسازی سه بعدی می‌تواند کمک‌های جدی به این مسأله نماید. این امکان برای بازسازی بسیاری از اماکن تاریخی به کمک نرم افزارهای پیشرفته رایانه‌ای فراهم است و از سویی تطبیق منابع مکتوب با شواهد خارجی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر برای مخاطبان عام می‌تواند مشاهده مشرفه را به صورت ملموس احیا نماید که «از دل برود، هرآنکه از دیده برفت».

۳. ثبت بین‌المللی این اماکن مقدس در مجامع رسمی و بین‌المللی، به عنوان «میراث فرهنگی ملت اسلام».

۴. خریدن و نجات دادن میراث‌های فرهنگی موجود در حرمین؛ به خصوص مدینه منوره، به همت و تلاش خیرین شیعه برای حفظ و بازسازی آن، برای ثبت تاریخی که البته این کار باید با پوشش‌های خاص و به کمک بومیان شیعه مدینه منوره انجام شود و کوتاهی در آن، باعث حسرت‌هایی جبران‌ناپذیر خواهد شد.

۵. ترویج و اشاعه تاریخ بقیع و آثار اسلامی دیگر؛ چه در میان شیعیان و چه در موسم حج، با پخش و گسترش نقشه‌ها و تاریخ آن میان مسلمانان کشورهای اسلامی، با کمک گرفتن از ظرفیت عظیم رسانه‌های مختلف؛ از جمله تلویزیون و سینما و مجامع علمی و فرهنگی در سطح جهان گفتنی است که دانشنامه‌ها و کتاب‌هایی که با نگاه علمی و بی‌طرفانه برای معرفی این اماکن نوشته می‌شود، نقش مهمی در این راستا دارند و دانشنامه حج و حرمین شریفین که به همت پژوهشکده حج و زیارت در حال تدوین است و تاکنون شش جلد آن منتشر شده و همین‌طور فرهنگ اماکن مذهبی حرمین که در دست اقدام است، تلاش‌هایی در خور تقدیر در این زمینه‌اند که حمایت مادی و معنوی نویسندگان و پژوهشگران و مسئولان ذی‌ربط را بیش از پیش می‌طلبد.

۶. تلاش برای حفاظت و دفاع از آثار اسلامی کشورهای درگیر با خطر گروه‌های وهابی؛ مانند

داعش و جبهه النصره و ... با مبارزه همه جانبه سیاسی و نظامی، با رشد و گسترش این گروه‌ها در سوریه، عراق و دیگر کشورهای اسلامی که بی‌تردید، بدون این گونه تلاش‌ها و بسنده کردن به تلاش‌های آکادمیک و نظری پس از مدتی، نشانی از این آثار برجای نخواهد ماند و همت و تلاش واقعی و همه‌جانبه را برای مقابله نظامی و اقتصادی گسترده بین‌المللی را با این گروه‌های تکفیری می‌طلبد. در اینجا لازم است از شهدایی که به عشق دفاع از حرم اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) در عراق و سوریه از کشورهای مسلمان؛ چون لبنان، سوریه، عراق، ایران، افغانستان و ... بر سر این راه مقدس جان دادند، یاد کنیم. بی‌شک این تلاش‌های مردمی و خود جوش و داوطلبانه و اشاعه و زنده نگهداشتن این راه در میان جوانان مسلمان محب اهل بیت (علیهم‌السلام) یکی از مهمترین راهکارهای عملی است که در این شرایط که دولت‌های اسلامی به خاطر مسائل و مشکلات سیاسی نمی‌توانند به روشنی به آن بپردازند ولی کار فرهنگی و تبلیغ آن از ضرورت‌های دفاع از آثار اسلام و پیامبر و خاندان او در سرزمین‌های اسلامی است.

۷. تلاش برای همراه کردن هرچه بیشتر اهل سنت در مقابله با وهابیان؛ وهابیان که حتی اهل سنت را - که توسل و زیارت و درخواست شفاعت را صحیح می‌دانند - کافر و مشرک می‌خوانند. این تلاش با رعایت اصول همزیستی مسالمت آمیز با برادران اهل سنت مقابله با جریان‌های تندرو شیعی؛ مانند تشیع انگلیسی است.

هرچند نقش اهل سنت در اعتراض به این جنایت‌ها و تخریب‌ها از همان آغاز، انکارناپذیر است ولی از آنجا که جریان‌های افراطی وهابی منسوب به اهل سنت هستند و خود را در عین زشت کاری و ناصبی‌گری، عملی مدافع سنت و شریعت می‌دانند، جریان افراطی تشیع انگلیسی نیز تلاش می‌کند تا از این مطالبه، نمدی برای خود بیافند و آن را تبدیل به بهانه‌ای برای ترویج خشونت و دشمنی میان مسلمانان چونان وهابیان قرار دهد، حال آنکه وقتی به تاریخ تشیع نگاه می‌کنیم می‌بینیم تنها راه کاری که ائمه شیعه برای حفظ این مکتب و گسترش آن داشتند، تلاش برای وحدت یا همان همزیستی برادرانه میان مسلمانان مذاهب مختلف بوده است. اگر شیعه از جمعیتی سه نفری به سیصد میلیون رسیده، به خاطر حقانیت مکتب و منطق معتدل و دوری از افراط بوده است.

تنها راهی که می‌تواند شیعه را در احیای مراقد مطهر ائمه بقیع و جلوگیری از ادامه هتک حرمت‌ها به این بارگاه‌های مقدس بازدارد، همراه کردن سیل عظیم جمعیت مسلمانان مذاهب اسلامی است که چونان شیعه بزرگداشت و تکریم بزرگان دین و زیارت قبور

و توسل به آنان را - برخلاف وهابیت - نه تنها شرک نمی‌بیند بلکه مقتضای توحید و دستور الهی می‌داند و دلشان از اهانت‌های وهابیت به بارگاه‌های مختلف در سرزمین‌های اسلامی به خصوص در حرمین شریفین خون است.

این دقیقاً سیاست وهابیت است که با دورویی و به ضرب دلارهای سعودی عقاید خردستیزانه و افراطی خود را به مسلمانان مذاهب دیگر و مناطق دیگر اسلام تحمیل می‌کند و عقاید آنان را محترم نمی‌شمارد و با ترویج سیاست‌های ایران ستیزی و شیعه ستیزی در صدد همراه کردن مسلمانان دیگر کشورها با گروه اندک خود است.

شیعیان باید بدانند برخلاف اعتقاد شیعیان لندن نشین تفرقه افکن با بددهنی و جسارت نمی‌توانند قدرتی را که مانع گسترش وهابیت در جهان اسلام می‌شود، به دست آورند بلکه تنها راه مقابله با این غده سرطانی وحدت با سایر مسلمانان و احترام به اعتقادات آنان و رفتار اخلاقی و نیکو با آنان است؛ چنانکه این امر سفارش قرآن و وصیت مورد تأکید مراجع عظام تقلید و رهبران و چهره‌های شاخص جهان تشیع است.

نتیجه گیری:

تخریب بقاع متبرکه و آثار اسلامی که از دوره قدرت یابی وهابیان شروع و پس از گسترش گروه‌های تکفیری در سطح جهان اسلام آن گسترش یافت، تهدیدی جدی برای فرهنگ و تمدن اسلامی است و برای پیشگیری از استمرار و تکرار آن و براساس وظیفه تعظیم شعائر الهی و به مقتضای مودت واجب اهل بیت برگردن تمام مسلمانان که از مفاهیم مورد اتفاق مسلمانان است، باید با راهکارهای مختلفی به مقابله با آن برخاست؛ از جمله این راهکارها را می‌توان به ثبت بین المللی میراث بقیع و سایر آثار اسلامی، ایجاد کمپین و مطالبه بین المللی برای احیای آن، ساخت ماکت‌های سه بعدی و رواج آن در جهان اسلام، ترویج و اشاعه تاریخ اسلامی این آثار، به ویژه بقیع، تلاش برای همراه کردن امت اسلامی در برابر موج تخریب با تأکید بر سیاست وحدت اسلامی و تقریب و مقابله با جریان‌های افراطی سنی و شیعی، تلاش نظامی و پشتیبانی معنوی و مادی جریان‌های مدافع حرم‌های مقدس در سوریه و عراق و سایر بلاد اسلامی، اشاره کرد.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. ازرقی، محمد بن عبد الله، *اخيار مكة وما جاء فيها من الآثار*، دار الاندلس، بيروت، چاپ: اول، ۱۴۱۶ق.
۳. جعفریان، رسول، *آثار اسلامی مکة و مدینه*، نشر مشعر - تهران، اول، ۱۳۸۹ش.
۴. جلال معاش، *فاجعة البقیع*، مؤسسة الامامه، دارالعلوم للتحقیق و الطباعة و النشر، لبنان، اول، ۱۴۲۷ق.
۵. (حکم زیارة اضرحة آل البيت، رقم مسلسل ۸۲۲۶، تاریخ ۲۰۱۵/۱/۱۳ <http://dar-alifta.org/AR/ViewFatwa.aspx?LangID=1&ID=8226>)
۶. خامه بار، احمد، *تخریب زیارتگاه های اسلامی در کشورهای عربی*، دار الاعلام لمدرسة اهل البيت عليه السلام، اول، ۱۳۹۳ق.
۷. خراسانی، ابو عبد الرحمان احمد بن شعیب بن علی، *سنن الکبری، النسائی* (المتوفی: ۳۰۳ق.)، محقق: حسن عبد المنعم شلی، مؤسسة الرسالة - بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۱ق.
۸. خوارزمی، محمد بن اسحاق، *اثارة الترغیب و التشویق، مكتبة نزار مصطفى الباز*، مکة مکرمه، چاپ: اول، ۱۴۱۸ق.
۹. زینی دحلان، سید احمد، *فتنه الوهابیه*، تحقیق: حسین حلمی، استانبول، ۱۹۷۸م.، بی جا.
۱۰. سبحانی (آیه الله)، شیخ جعفر، *آیین وهابیت*، نشر مشعر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴ش.
۱۱. سمهودی، نورالدین علی بن احمد، *وفاء الوفا، بأخبار دار المصطفى*، دار الکتب العلمیه، بیروت، اول، ۲۰۰۶م.
۱۲. سید محسن امین عاملی، *اعیان الشیعه*، دار التعارف، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۱۳. شمس الدین ذهبی، *تاریخ الإسلام و فیات المشاهیر و الأعلام*، دار الکتب العربی، دوم، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۱۴. صالحی دمشقی، محمد بن یوسف، *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*، دار الکتب العلمیه، بیروت، اول، ۱۴۱۴ق.
۱۵. فضولی، حکایات بقیع، تهران، ۱۳۹۴ش.
۱۶. قاضی عسکر، سید علی، *تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد*، مشعر، دوم، تهران، ۱۳۸۵ش.
۱۷. کرکی حائری، سید محمد، *تسلية المجالس*، مؤسسة المعارف الإسلامیه، قم، اول، ۱۴۱۸ق.

١٨. اللخمي الشامي الطبراني، سليمان بن احمد بن ايوب بن مطير، *المعجم الأوسط*، ابو القاسم الطبراني، محقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن ابراهيم الحسيني، دار الحرمين - قاهره، بي تا.
١٩. مجلسي، محمد باقر بن محمد تقى، *بحار الأنوار*، دار إحياء التراث العربى، بيروت، چاپ: دوم، ١٤٠٣ق.
٢٠. مختارى، رضا، *حج ٢٥* (گزارشى از حج گزارى سال ١٤٢٥ قمرى)، نشر مشعر، تهران، چاپ ١، ١٣٨٤ش.
٢١. مغربى، عمر عبدالقادر، *المهدم من آثار المدينة المنوره*، منشورات الحج، ١٤٠٨ق.، اول بي جا.
٢٢. مهندس، الهاجرى، يوسف، *البقيع قصة تدمير آل سعود للآثار الاسلاميه فى الحجاز*، مؤسسة البقيع لآحياء التراث، ص ٩١، لبنان، اول، ١٤١١ق.
٢٣. واقدى، ابن سعد، *الطبقات الكبرى*، دار الكتب العلميه، بيروت، دوم، ١٤١٨ق.
٢٤. واقدى، محمد بن عمر، *المغازى*، اعلمى، بيروت، ١٤٠٩ق.، سوم.